



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	۱۱	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۷ / ۲۴
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم				
عنوان ۲	مطلب پنجم: استعاذه				
عنوان ۳	ویژگی های استعاذه				
عنوان ۴	بحث سوم: موارد استعاذه				
	انواع استعاذه				
	• نوع اول: استعاذه خاصه				
	➤ ۱. استعاذه عند قراءة القرآن				
	➤ ۲. استعاذه عند تعرض وسوسة الشیطان				
	• نوع دوم: استعاذه عامه				
	➤ ۱. استعاذه عامه از شیطان				
	➤ ۲. استعاذه از شرور مطلقاً				

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

درآمد بحث

بحثمان در استعاذه بود و دو بحث درباره آن به پایان رسید؛ یعنی ما تاکنون دو مطلب را پیرامون بحث استعاذه مطرح کردیم؛ بحث اول پیرامون خود لفظ «استعاذه» بود و گفتیم که مختصرترین لفظ استعاذه، همان «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» است. در مطلب دوم، الفاظ و مفردات لفظ استعاذه را بحث کردیم و گفتیم که هریک از «أعوذ»، «الله»، «شيطان» و «رجيم» به چه معناست. این بحث به پایان رسید و امروز به بحث سومی در استعاذه می پردازیم.

بحث سوم: موارد استعاذه

جهت سوم در مبحث استعاذه، مواردی است که استعاذه در آنها وارد شده و خوب است که انسان در آن موارد، از شیطان رجیم به خدا استعاذه کند. اما پیش از آن، به انواع استعاذه، اشاره می کنیم.

انواع استعاذه

ما دو نوع استعاذه داریم:

۱. استعاذه خاصه؛

۲. استعاذه عامه.

نوع اول: استعاذه خاصه

استعاذه خاصه آن استعاذه‌ای است که در مورد خاص، وارد شده؛ یعنی در خصوص یک مورد، گفته شده استعاذه کنید. در قرآن کریم، دو نوع استعاذه خاصه داریم:

۱. استعاذه عند قراءة القرآن

و آن جایی است که می‌فرماید:

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۱؛

البته این استعاذه شامل استعاذه قبل از قرائت در صلوات هم می‌شود؛ یعنی «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ» ظاهراً عام است؛ هم موارد قرائت قرآن فی غیر الصلاة را شامل می‌شود و هم مورد قرائت قرآن فی الصلاة را.

۲. استعاذه عند تعرض وسوسة الشيطان

هرگاه انسان احساس کرد یک وهم یا اندیشه شیطانی در فکر و قلب او عارض شد، توصیه شده که در اینجا هم از شیطان رجیم به خدا استعاذه کنیم:

﴿وَمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ * وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ﴾^۲؛

این سه آیه، ضمن آنکه امر به استعاذه از شیطان در مورد وساوس شیطانی می‌کند، به یک نکته هم اشاره می‌برد که این استعاذه از شیطان در موارد وساوس شیطانی، شأن انسان‌های باتقواست. انسان‌های باتقوا چنینند که هرگاه فکر شیطانی به آنها دست دهد یا فکر معصیت به آنها دست دهد، سریع متنبه می‌شوند؛ به هوش می‌آیند و در نتیجه به هوش آمدن، به خدا استعاذه می‌جویند؛ به خلاف انسان‌های بی‌تقوا که وقتی یک اندیشه شیطانی به آنها دست می‌دهد، چیزی که آنها را به هوش بیاورد، ندارند و به هوش نمی‌آیند؛ لذا به دنبال آن اندیشه شیطانی، لغزش بر آنان عارض می‌شود و می‌لغزند. پس معلوم می‌شود این استعاذه، هم از شؤون اهل تقواست و هم موجب نوعی عصمت می‌شود؛ اگر آدم، خود را به آن، خوب دهد. اگر انسان به استعاذه، خو گرفت و در هر جا که یک فکر شیطانی و غلط به او دست داد، سریع استعاذه به خدا کند، هم خدا او را از آن فکر عمل شیطانی که به فکرش عارض شده، نجات می‌دهد و هم این حسن عصمت برایش تقویت می‌شود؛ بدین معنا که نوعی صیانت از لغزش، برایش حاصل می‌شود و پیش از آنکه بلغزد، به فکر می‌افتد. البته گاهی هم انسان‌هایی هستند که بعد از لغزش، توبه می‌کنند که در آیه کریمه به آنها اشاره شده است:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ...﴾^۳.

اینان هم قسمی از افراد باتقوا محسوب می‌شوند؛ ولی تقوایشان اضعف از تقوای نوع نخست است؛ چون تقوای نخست، تقوایی است که برخورداران از آن، قبل از آنکه پایشان بلغزد، به هوش می‌آیند و از لغزشی که به ذهنشان رسیده، باز داشته و معصوم می‌شوند.

۱. سوره نحل: ۹۸.

۲. سوره اعراف: ۲۰۰ - ۲۰۲.

۳. سوره آل عمران: ۱۳۵.

پرسشگر: معنای «طائف» در آیه «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» چیست؟
معظم له: «طائف» به معنای خیال شیطانی است. «طاف به طائف» یعنی هرگاه خیال شیطانی به آنان دست می دهد، استعاده می جویند. این مرحله بالایی از تقواست و مرحله پایین تر از این هم داریم؛ گرچه آن هم تقواست؛ ولی اضعف از رتبه ای است که در آیه به آن، اشاره شده و زمانی، حاصل می شود که پای شخص می لغزد اما بعد از لغزش، سریع به هوش می آید. اما این درجه از تقوایی که با استعاده، حاصل می شود، یک درجه بالاتر و حاصل یک نوع عصمت برای انسان است؛ چون پیش از آن که پایش بلغزد، به هوش می آید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»؛

همین که طائفی (خیالی) از شیطان و خیالی شیطانی به ذهنشان خطور می کند، سریعاً متذکر می گردند. در آیه قبل از این هم فرماید: «وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛
 این در تقوایی که در آیه بعد بدان اشاره می کند و تقوایی بزرگ تر است، تأثیر می گذارد. در آیه بعد می فرماید همین که خیالی از تخیلات شیطانی بر آنان، عارض می گردد، به هوش می آیند. این استعاده عند طائف و خیال شیطانی، در حصول آن حالت عصمت، خودبازداری و خوشتنداری از ارتکاب معصیت، قبل از معصیت، تأثیر می گذارد.
 اما در آیه بعد فرموده است: «وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ»؛

کسانی که اهل استعاده نیستند و با شیطان، خو گرفته اند، وقتی طائف شیطانی بر آنان عارض می شود، آن را ادامه می دهند و در پایان تأثیر این تخیل شیطانی، لغزش برایشان رخ می دهد: «يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ».
 این نوع اول از موارد استعاده بود که از آن به «استعاده خاصه» یاد کردیم و استعاده در موارد خاص است که یکی قرائت قرآن بود و یکی عروض و سوسه شیطانی.

نوع دوم: استعاده عامه

یک استعاده عامه ای هم داریم که لا تختص بحال دون حال؛ بلکه خوب است همیشه انسان به خدا پناه ببرد و نیازی به مورد خاص هم ندارد؛ نه آن مورد اول نه مورد دوم. این استعاده عام هم بر دو قسم است:

۱. استعاده عامه از شیطان

این استعاده، الزاماً مربوط به وقتی نیست که یکی از وسوسه شیطان برانسان، عارض گردد؛ بلکه به طور کلی، به ما تعلیم داده اند که از وسوسه شیطانی، استعاده کنیم ولو وسوسه شیطانی بر ما عارض نشده باشد. این تعلیم در سوره «ناس» آمده و فرموده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * إِلَهَ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْغِنَةِ وَالنَّاسِ».

خدا در این نوع از استعاده مطلق، از کل وسوسه شیطانی، با ملکیت، الهیت و ربوبیتش معرفی شد و معلوم می دارد که این سه جلوه از جلوه های الهی، نوعی سرپرستی برای خدای متعال نسبت به انسان مؤمن به وجود می آورد.

۲. استعاده از شرور مطلقاً

این نوع از استعاده، در سوره «فلق» آمده است:

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله محسن اراکی رحمته الله ۴

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾.

پس این امتیاز بین این دو سوره را باید متوجه شد که دو نوع استعاذه به ما تعلیم شده؛ یکی استعاذه از شر شیطان و دیگری استعاذه از شرور مطلقاً. به مناسبت این استعاذه نوع دوم، بحث مختصری در رابطه با خلق الشیطان و الشرور داریم که در جلسه آینده، متعرض آن می شویم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين